

جنبش جنگل و انگلستان

۱۷ مهر ۱۴۰۲ ساعت ۱۶:۳۶

دشمنی جنبش جنگل تنها متوجه کشورهای مداخله‌گر با ماهیت استعماری بود. انگلیس و روسیه از جمله کشورهای بودند که در این گروه قرار داشتند. طبیعتاً انگلیس نیز با توجه به ماهیت فکری جنبش جنگل و اهداف آن، با این جنبش مخالف بود.

جنبش جنگل یکی از جنبش‌های مهم در تاریخ معاصر ایران است که با ماهیت ضد استعماری به مبارزه با بیگانگان پرداخت. از این رو طبیعی بود که اهداف این جنبش با قدرتهایی چون انگلیس و روسیه در تضاد باشد. وضعیت روسیه کاملاً مشخص بود. علیرغم برخی از اتهاماتی که جنبش جنگل توسط روس‌ها ایجاد شد، این جنبش در تضاد و تباین کامل با روسیه قرار داشت. به خصوص آنکه منطقه فعالیت‌های سیاسی جنبش در شمال کشور یعنی منطقه نفوذ روسیه بود. اما وضعیت در مورد انگلیس کمی مبهم است. برخی معتقدند انگلیس حامی جنبش بود؛ زیرا این جنبش را در تضاد با رقیب خود یعنی روسیه می‌دانست. برخی نیز گفته‌اند انگلیس مخالف جنبش بود، زیرا اهداف جنبش جنگل با اهداف استعماری تمام استعمارگران از جمله انگلیس نیز در تضاد قرار داشت. با توجه به این مقدمه در این مطلب به ارتباط جنبش جنگل و انگلستان پرداخته شده است.

جنبش جنگل و اهداف آن

جنبش جنگل به رهبری میرزا کوچک خان جنگلی در گیلان شکل گرفت. میرزا به مشروطیت و وضعیت کشور اعتراض داشت. او مشروطه را مسبب بدبختی‌های جامعه و گسترده شدن مداخلات بیگانگان می‌دانست. «میرزا، مسلمانی شیعه، میهن دوست، سازش ناپذیر و رزمنده‌ای نستوه و رهبری فسادناپذیر بود که تنها هدفش، رهایی کشور از زیر سیطره قدرت‌های خارجی و فساد داخلی بود. جنبش جنگل نه جنبشی تجزیه طلبانه بود، نه بورژوازی و نه کمونیستی... واکنشی اصیل بود در برابر سرخوردگی و افسردگی پس از پیروزی مشروطه و سرنگونی محمدعلی شاه» جنبش جنگل، هدفش را استقلال مملکت و رفع فساد از ساختار دولت معرفی کرد.^[۱]

سران جنبش جنگل علاوه بر مسائل داخلی به عملکرد قدرت‌های خارجی از جمله سیاست‌های مداخله‌گرایانه آن‌ها و توافق پنهانی بر سر تقسیم کشور نیز معترض بود. البته جنبش در برهه‌هایی با توسل به آلمان و عثمانی درصدد استفاده از نیروی سوم در برابر انگلیس و روسیه بود و عملاً ضدیت با کشورهای خارجی نداشت. دشمنی جنبش جنگل تنها متوجه کشورهای مداخله‌گر با ماهیت استعماری بود. انگلیس و روسیه از جمله کشورهای بودند که در این گروه قرار داشتند. طبیعتاً انگلیس نیز با توجه به ماهیت فکری جنبش جنگل و اهداف آن، با این جنبش مخالف بود.

دلایل انگلیس با جنبش جنگل

انگلیس جنبش جنگل را باعث به خطر افتادن امنیت منطقه می‌دانست. موضوعی که می‌توانست منافع این کشور در سایر مناطق ایران از جمله جنوب کشور را نیز با مشکل مواجه سازد. به خصوص آنکه منافع اصلی انگلیس در جنوب ایران قرار داشت. این نگرانی بعد از انقلاب بلشویکی روسیه و خروج نیروهای این کشور از شمال ایران بیشتر نیز شده بود. در حقیقت جنگلی‌ها با پایان حضور نیروهای روسی در گیلان به اهداف خود دست یافته و این مساله به معنای پایان جنبش بود؛ به عبارتی جنگلی‌ها با پایان حضور نیروهای روسی در گیلان به اهداف خود دست یافته و این مساله به معنای پایان جنبش بود اما در پی خروج نیروهای تزاری از گیلان، ورود نیروهای انگلیسی و بلشویک به گیلان ابعاد تازه‌ای به جنبش جنگل بخشید و موجب شد تا جنگلی‌ها وارد دور تازه‌ای از منازعات داخلی منطقه‌ای و بین‌المللی شوند که در نهایت به بهای شکست و سرنگونی آنها انجامد زیرا خروج نیروهای روسی از ایران موجب افزایش نگرانی انگلستان از وضعیت گیلان، قفقاز و مناطق پیرامونی آن شده بود. [۲]

جالب آنکه اقدامات انگلیس باعث شد تا جنبش جنگل، بعدها خود را از سوی بلشویسم در آرامش و امنیت ببیند. در واقع بعد از مداخلات گسترده انگلیس در امور مربوط به جنبش جنگل، خطر اصلی متوجه انگلیس شد نه روسیه. جنبش جنگل گرچه روسیه را همچنان به عنوان یکی از استعمارگران در نظر می‌گرفت؛ اما سرگرم بودن روسیه به امور داخلی کشور خود تا حدودی خیال سران جنگل را از بابت مداخلات این کشور راحت کرده بود. به خصوص که روسیه حداقل به ظاهر مدعی بود دیگر تمایلی به مداخلات استعماری ندارد. از این جهت بود که بی‌مهابا و انگلستان به عنوان دولت استعمارگر - در بیانیه‌ها و در مقالات متعدد و در روزنامه رسمی جنبش جنگل (جنگل) - به حمله و موضع‌گیری منفی می‌پرداختند. به عنوان نمونه در شماره دوم روزنامه جنگل مقاله‌ای تحت عنوان یک دادخواهی وجدانی سیاست استعماری روسیه تزاری و انگلستان مورد حمله و نکوهش است. [۳]

البته انگلیس تلاش‌هایی نیز جهت مذاکره و توافق با سران جنگل نیز به کار برد؛ اما مورد موافقت میرزا قرار نگرفت. چنانچه یکی از پیشنهادات جنگل، به رسمیت شناختن جنبش جنگل در ایران از سوی انگلیس بود؛ اما انگلیس شرط نظارت خود بر فعالیت‌های جنبش را نیز جز موارد این توافقنامه قرار داده بود. طبیعی بود برای جنبش جنگل که خواستار پایان دادن استیلا و مداخلات استعمارگران بودند، این شرط مورد پذیرش قرار نگیرد. این کشور حتی از طریق اقدام نظامی نیز تلاش خود برای فروپاشی جنبش جنگل را امتحان کرد. انگلیس با اعزام نیرو به شمال کشور به رویارویی نظامی و اقدام مسلحانه متوسل شد.

این کشور حتی نیروهایی را به باکو اعزام کرد. اما در کنار این اقدام وارد مذاکره با جنبش نیز شد. ظاهراً هدف استعمارگر پیر سرگرم کردن اعضای جنبش و خرید زمان از آنها بود. اما این نقشه نیز به دلایلی شکست خورد. هر چمنند در نهایت انگلیس توانست به روش‌های مختلف و مرسوم خود از جمله ایجاد اختلاف بین اعضای جنبش، به تدریج شرایط و موجبات ضعف آنها را به وجود آورد. در کنار این موضوع برخی از مسائل داخلی جنبش نیز در باعث شد تا جنبش جنگل به طور کامل دچار گسست و شکست شود.

سخن نهایی

جنبش جنگل به رهبری میرزا کوچک خان جنگلی می‌توانست خطری بالقوه برای منافع انگلستان باشد. اگر هدف جنگل از شمال ایران به سایر مناطق نیز گسترش می‌یافت و یا هدف آن کوتاه کردن دست انگلیس از ذخایر نفتی در ایران بود، به عنوان عاملی

مضر برای منافع انگلیس تلقی می‌شد. البته عملاً نیز این اتفاق تا حدودی رخ داد و جنبش توانست ثباتی را که انگلستان به دنبال حفظ آن در منطقه بود، تهدید کند. بنابراین این کشور در راستای حفظ منافع خود تلاش زیادی را جهت فروپاشی جنبش جنگل انجام داد و تا حدودی نیز در این کار موفق بود.

[۱] - علیرضا کریمی، انقلاب مشروطه در بوته نقد، تهران، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، جمهوری اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۳

[۲] - عباس پناهی، «تاثیر انگلستان بر رویکردهای نظامی، فکری و سیاسی جنبش جنگل» پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دوره ۱۵، شماره ۲۹، شماره پیاپی ۲۹، (آبان ۱۴۰۰)، ص ۱۴۱

[۳] - محمدحسین اسماعیلی سنگری، «تعارض قدرت‌های جهانی و نقش دیپلماسی انگلیس در مواجهه با گفتمان جنبش جنگل در ایران» سیاست جهانی، دوره ۱۱، شماره ۲، شماره پیاپی ۴۰، (شهریور ۱۴۰۱) ص ۲۲۵

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/49346/لانگلستان-جنگ-جنبش>